

تنهایی تحقیقات جامعی در مورد این اظهارات انجام داد. ما نتوانسته‌ایم صحت اتهامات موجود را اثبات کنیم بلکه، با توجه به کثرت شواهد و حقایق موثق و موقعیت حاضر بدون تردید معتقدیم که این اظهارات فریب‌آمیز و نادرست هستند. به راهنمایی کمیته فرعی، یک نسخه کامل از این دادرسیها به منظور بررسی و مطالعه دقیق به وزارت دادگستری فرستاده می‌شود. قرار است مشخص کنند که آیا هیچ‌گونه تخطی از قانون فدرال از جمله تهمت و افترا و گواهی دروغ صورت گرفته یا نه، و نیز به اقدام مناسب در این مورد پردازند.

آقای مانت: آقای رئیس، آیا سناتور آرکانزاس گزارش خود را ارائه خواهد داد؟

آقای مک‌کلان: مایلم گزارش خود را اعلام کنم.

آقای مانت: من به عنوان عضو برجسته جمهوریخواه کمیته تحقیقاتی، بیانات رئیس عالی مقام ما آقای مک‌کلان سناتور آرکانزاس را تأیید می‌نمایم.

چنین به نظر می‌رسد که داستان خیرخان عجیب‌ترین و جالب‌ترین داستانی است که تاکنون در کتاب داستانهای هزار و یک شب خوانده‌ایم. آنچه که هم‌اکنون در پیش رو داریم یا بزرگترین کلاهبرداری نمایندگان یک دولت خارجی دوست بر علیه مالیات‌دهندگان ایالات متحده است و یا بی‌شرمانه‌ترین و گستاخانه‌ترین کاری است که تاکنون در تاریخ کنگره در برابر مرجع قانونگذار و کمیته فرعی تحقیقاتی ما اعمال شده است. اگر وزارت دادگستری نهایتاً حقایق را فاش کند، آنچه که در اینجا می‌ماند ادعای طرح‌ریزی شده دروغ خیرخان است و او به عنوان شخصی فریبکار در تاریخ شناخته خواهد شد.

باید پذیرفت که در زمینه کمکهای خارجی مسائل عجیبی اتفاق افتاده است. اگر چه می‌دانم که کارهای توصیف شده توسط خیرخان ماهیتاً باور نکردنی است، اما نمی‌خواهم به کلی احتمال برخی سوءاستفاده‌های انجام شده در برنامه کمکهای خارجی را چه در ایران و چه جای دیگر نادیده بگیرم. با نگاهی به متن شهادت، یک نکته بسیار مسلم است و آن این است که شخصی مرتکب گواهی دروغ (سوگند به دروغ) شده است. گزارش نشان می‌دهد که چند گواهی دروغ خودسرانه توسط شخصی صورت گرفته و او در مقابل هیئت مؤلفه کنگره کمیته فرعی تحقیقات که جهت رسیدگی به این موضوع در مورد مدارکی که تماماً مربوط به این دعوی است کار می‌کند، سوگند یاد کرده است.

بدین ترتیب، عوامل اصلی گواهی دروغ به خوبی در این گزارش مشخص شده‌اند.

من با بیانات رئیس موافقم که معتقدند شواهد اکنون باید به وزارت دادگستری ارائه شود تا آنها را مجدداً بررسی کنند و در مورد احتمال آنکه این یک عمل غیر قانونی باشد تصمیم بگیرند. مشخص است که هر عمل جنایی بر علیه هر کس که باشد باید پس از آن که وزارت دادگستری فرصت بررسی این مدارک شگفت‌انگیز را پیدا کرد آن را ارائه دهد.

در نتیجه مایلم تکرار کنم که امکان تحقیقات بعدی کمیته‌مان را در مورد برنامه کمکهای خارجی ایران و یا در مورد برنامه کمکهای خارجی در هر گوشه دیگر از جهان که به نظر بیاید تخلفی صورت گرفته است، محدود نخواهم کرد. به هر صورت، مایلم تأکید کنم که کمیته فرعی و کارکنان آن کار بسیار ارزشمندی انجام داده‌اند و طی ماهها، سعی و تلاش زیادی به منظور جدا کردن باطل از حق و حق از باطل انجام داده‌اند. مشخصاً برای کمیته فرعی ما بسیار دشوار است که وظایف خود را در تلاش برای بررسی امور شعبه اجرایی دولت انجام دهد، اما زمانی که با انحرافات از قبیل آنچه در این خصوص با آن مواجه شده‌ایم برخورد کنیم، کار ما را مشکل می‌سازد و باعث می‌شود نقش قانونگذاری ما از مسیر عادی خارج، و بررسی ما درخصوص موارد مهم دیگر با تأخیر روبه‌رو شود.

ضمن تأکید دوباره بر سخنان رئیس، و با ارجاع این مورد به وزارت دادگستری، معتقدم که افشاء چنین اموری باید هدف مفیدی را تحقق بخشد. امیدوارم این کار برای همیشه از وقوع اتفاقاتی نظیر آنچه کمیته ما با آن مواجه شد، جلوگیری نماید. در صورتی که هر گونه بی‌نظمی در برنامه کمکهای خارجی باشد که به اطلاع ما برسد می‌دانم که رئیس کمیته فرعی اقدام مناسبی انجام خواهد داد. به هر صورت امیدوارم بتوانیم این کار را با استفاده از مدارک قابل طرح و مدارکی که برخلاف مورد فعلی مظنون به جعلی بودن باشند، آغاز نماییم.

آقای مک‌کلان: اگر این اتهامات حقیقت داشته باشند بر شخصیت و اعتبار برخی از امریکاییهای سرشناس تأثیر می‌گذارد. وقتی این اتهامات به دستمان رسید، به نظرمان بسیار خیالی می‌آمد. احساس کردیم باید آنها را بررسی کنیم. این موضوع، موضوع حمایت از برنامه کمکهای خارجی نیست. از آنجا که در مخالفت با آن نظر دادم هیچ گونه دفاعی از برنامه کلی به عمل نمی‌آورم. من نمی‌گویم که در اداره برنامه هیچ گونه بی‌نظمی‌ای وجود ندارد. نمی‌دانم، بدون کوچکترین شکی معتقدم اتهاماتی که موجب انجام این تحقیقات شدند، دروغ هستند. از جهاتی دیگر فکر نمی‌کنم بانک این نامه را

نوشته باشد. یکی از این آقایان مدیر کل است و دیگری رئیس بانک سوئیس است. من فکر نمی‌کنم چنین چیزی را که در زیر می‌بینیم نوشته باشند:

اگر برای بررسی شما لازم باشد مایلم به صحت مفاد این نامه سوگند بخوریم. اگر محتوای آن نامه حقیقت داشته باشد، هر گونه ادعایی که در مرحله آغازین بازجویی به آن رسیدگی کردیم نادرست است. بنابراین ما صبر کردیم و به همه فرصت دادیم تا برای این اتهام دلیل و مدرک ارائه دهند. کمیته بررسی و مجلس سنا، در صورت صحت مفاد این نامه، متهم شناخته می‌شوند. بدین ترتیب احساس می‌کنیم که باید این گزارش را تهیه کنیم و در زمان مقتضی یک گزارش کامل ارائه دهیم.

آقای جکسون: آقای رئیس، آیا سناتور گزارش خود را ارائه خواهند داد؟

آقای مک کلان: بله.

آقای جکسون: مایلم موافقت خود را با اظهارات رئیس توانای کمیته و اظهارات سناتور عالی مقام [آقای مانت] که از داکوتای جنوبی آمده‌اند، اعلام کنم. این گزارش که فکر می‌کنم تاریخ آن به ماه مه ۱۹۶۳، زمانی که توجه کمیته به این موضوع جلب شد برگردد، به خوبی نشان می‌دهد که کمیته توسط این آقا و دستیارانش متهم شده است. فکر می‌کنم یک نکته دیگر ذکر نشده است.

آقای مک کلان: آقای رئیس، در این باره مایلم بگویم که اگر گزارش نشان دهد که کمیته فرعی در موارد دیگر متهم شده است، این موارد ضرورتاً در حوزه مسئولیت کمیته فرعی نیست. بنظر می‌رسد که این موارد کارهای معمولی یا مسائل عادی زندگی باشد. آقای جکسون: این آقا برای متهم کردن مردم استعداد دارد. اطلاعاتی که تاکنون از کمیته داریم نشان می‌دهد که او سعی نموده تا از کمیته به نفع خودش استفاده کند. همچنین باید بگویم که گویا مدرکی دال بر دخالت او در یک بازی محرمانه بین‌المللی وجود دارد. دلیلی برای باور آن داریم که او در چند سال گذشته برای کسب مبالغ زیادی پول که شامل صدها هزار دلار می‌شود، در نتیجه اعمال ماهرانه و فاسد خود در امریکا از چند امریکایی سرشناس استفاده کرده است.

آقای مک کلان: چند تن از آنان از دادن شهادت احساس شرمندگی خواهند کرد.

آقای جکسون: بله، این مرد چنان عمل کرده است که تمام کارکنان قابل اعتماد چنین می‌کنند. او قربانیان مورد نظر خود را در وضعیتی به چنگ می‌آورد که در آن وضعیت مشخص می‌شود این قربانی یک شخص متهور و همدست در نقض قوانین کشور یا دادگاه فدرال است. این راهی است که تمام افراد مورد اعتماد عمل می‌کنند. اگر به

دستگیریها و محکومیت‌های افراد قابل اعتماد نگاه کنیم، بارها و بارها یک رشته دستگیریها را می‌بینیم که هیچ محکومی ندارند: «مورد عفو واقع شده است». این امر به دلیل آن است که شاهد موجود مایل نیست بیاید و مبادا بخواهد شهادت دهد که در زمان ارتکاب جرم حضور داشته است.

باید بگویم از حالا چنین به نظر می‌آید، با این که گزارش را تکمیل نکرده‌ایم، که این آقا و دیگر همدستان او به منظور بدنام کردن نام‌های نیک اشخاص سرشناس امریکایی و با سوء استفاده از کمیته فرعی در جهت دزدیهای خودشان درگیر توطئه مالی بین‌المللی شدند تا به بازی اعتماد خود ادامه دهند.

باید بگویم که رئیس کمیته فرعی و کارکنان توانای ما به دلیل دعاوی مهم اولیه وارد جزئیات شدند تا حقایق و واقعیتها را کشف کنند. اینک حقیقت به خوبی نشان می‌دهد آنهایی که با اتهامات جنایی شدیدتری مواجه می‌شوند، افرادی هستند که برای ساختن این اتهامات به کمیته آمدند. در حال حاضر من رئیس را به خاطر کاری که انجام داده است ستایش می‌کنم.

آقای هریس: آقای رئیس، آیا سناتور گزارش خود را اعلام خواهد کرد؟

آقای مک‌کلان: من گزارش خود را به سناتور عالی مقام که از اکلاهما هستند اعلام می‌کنم.

آقای هریس: همان طور که رئیس محترم کمیته فرعی ما توضیح دادند، پرسش ظریف و دقیقی که از کمیته فرعی شد درباره صحت یا کذب اتهامات بزرگی بود که توسط خیبرخان مذکور مطرح شده بود. رئیس توانای ما که سناتور برجسته‌ای از آرکانزاس است رسیدگی و بازجویی دقیق و کاملی در مورد این اتهامات جدی به عمل آورده است. اظهارات امروز او حاکی از نتایج اجتناب‌ناپذیری است که از این تحقیقات به دست آمده و باید به دست آید. از بررسی حقایق، بدون تردید، چنین برمی‌آید که خیبرخان مذکور خوشبختانه نتوانسته اتهاماتی را که بیان کرده اثبات کند؛ و بدبختانه او و همدستانش به شرم‌آورترین نوع جعل و کلاهبرداری متهم‌اند. من شخصاً به دیدگاه دوم گرایش دارم. من با اظهارات رئیس محترم در این مورد هم‌رأی هستم که این مسئله را برای اقدام مناسب به وزارت دادگستری ارجاع دهند. من رئیس محترممان را برای انجام این بازجویی می‌ستایم و امروز در اینجا با اظهارات او موافقت می‌نمایم.

آقای مک‌کلان: من از سناتور محترم اکلاهما تشکر می‌کنم.

آقای مانت: آقای رئیس، آیا سناتور گزارش خود را اعلام خواهند کرد.

آقای مک‌کلان: من گزارش خود را به سناتور عالی‌مقام داکوتای جنوبی اعلام خواهم کرد.

آقای مانت: من نیز مانند اعضای کمیته معتقدم پرونده نسبتاً پیچیده و مبهمی را جهت بررسی به وزارت دادگستری ارجاع داده‌ایم. اما فکر می‌کنم دست کم ممکن است وزارت دادگستری در این مورد، در تلاش برای کشف حقایق و برای زمینه‌سازی درست مدارک که به وسیله آن بتوان اتهام شهادت دروغ درست نمود، از مرجع دیگری کمک بگیرد.

به طور غیرمستقیم مطلع شده‌ام که یک مجله مشهور امریکایی می‌خواهد مقاله‌ای در مورد فعالیت‌های خیبرخان منتشر کند. فکر می‌کنم باید به این مجله هشدار دهیم که نمی‌تواند برای مطالب مقاله خود از هر موضوعی که مربوط به مصونیت‌کنگره می‌شود، استفاده کند، زیرا دادرسی ما منتشر نشده است. در جلسه‌ی اجرایی به این مسائل رسیدگی شده است. تا جایی که به کنگره مربوط می‌شود، هیچ مطلب جذابی در مقاله مجله وجود نخواهد داشت.

اگر موضوع خیبرخان در این مقاله نوشته شود و اگر حقایق همان طور باشد که ما می‌دانیم، اساساً و به طرز بسیار بدی این حالت افتراآمیز خواهد بود؛ افتراآمیز برای بسیاری از امریکایی‌های سرشناس و برای افراد زیادی که اعتبار و شهرت خوب آنها در معرض خطر قرار می‌گیرد. و آنها مشتاق خواهند بود که خیبرخان و همدستانش را به اتهام تهمت زدن به آنها به دادگاه مدنی بکشانند.

از تجارب خود به این نتیجه رسیده‌ام که گاه آسانتر است که حقایق را برای رسیدگی به اتهامات دروغ در یک دادخواست مدنی دنبال کنیم تا اینکه از وزارت دادگستری بخواهیم مدارک متضاد را ظاهر سازد.

من این واقعه را به یاد می‌آورم که آلگرهیس از هرگونه مجازات قانونی در این کشور فرار کرد تا این که خود را بر اثر دادخواست تهمت بر علیه دفتر حقوقی ویت‌تیکر به دام انداخت. زمانی که یک دادخواست تهمت مالی به یک دادگاه امریکایی می‌آید، نوع مدرکی که غالباً ارائه می‌شود، شگفت‌انگیز است. اگر این مجله مقاله پیشنهادی را چاپ کند و داستان آنچه را که خیبرخان بر ما تحمیل کرده به تفصیل شرح دهد و اگر حقایق چیزی باشد که کمیته فکر می‌کند، به خوبی می‌توانم مجسم کنم از این نشریه به سبب وارد ساختن اتهامات دروغ شکایت خواهد شد. در آن صورت موضوع «ماهی گرفتن یا بریدن طعمه» مطرح خواهد شد. در آن صورت یا کل کار جعلی خیبرخان مثل خانه‌ای که

از تکه‌های مقوا بسازند فرو خواهد ریخت یا مجبور خواهد شد مدارکی ارائه دهد که او هنوز جهت اثبات اتهامات خود به کمیته ما نداده است.

آقای مک‌کلان: آقای رئیس، از آنجا که سناتور والامقام ما که از داکوتای جنوبی می‌باشد، به مقاله مجله‌ای اشاره کرده است که ممکن است چاپ شود، فکر می‌کنم باید در گزارش مشخص شود که کاری که امروز انجام شد در مقابل تک تک اعضای کمیته تصویب و هدایت شده بود و تا آنجا که می‌دانم از مقاله تحریک‌آمیز مجله خبر داشتند. آقای مانت: تا جایی که به سناتور داکوتای جنوبی مربوط می‌شود این یقیناً صحت دارد. ما تقریباً از دو هفته گذشته کارمان را شروع کردیم و تا تعطیلات هفته گذشته درباره داستان چیزی نشنیده بودیم.

آقای مک‌کلان: اولین بار که از وجود این مقاله مجله باخبر شدم حوالی ساعت ۹ جمعه شب بود. چند روزنامه برداشتم بخوانم که در بین آنها یک نسخه از این مقاله را پیدا کردم. هیچ چیزی درباره عمل کمیته در آن نوشته نشده بود. کمیته قبل از آنکه حتی چیزی درباره مقاله مجله بداند این گزارش را تهیه کرده و موضوع را به وزارت دادگستری ارجاع داده بود.

آقای مانت: همان طور که در گزارش منتشر شده جلسه قبلی خود نوشتیم، رئیس یک روز در هفته گذشته موضوع را اعلام کرد. آن گزارش در یادداشت‌های رسمی، کمیته مشهود است.

آقای مک‌کلان: فکر می‌کنم گزارش واضح باشد. از سناتور سپاسگزارم. اکنون گزارش خود را به سناتور نبراسکا اعلام می‌دارم. آقای کورتیس: آقای رئیس، با آنچه رئیس من، سناتور عالی مقام آرکانزاس درباره بازجویی خیبرخان گفت موافقم.

زمانی که خیبرخان و دوشیزه کوشان در اولین مرحله حاضر شدند و مطالب خود را بیان کردند، من در جلسه هیئت رئیسه حضور داشتم. بیانات آنها چنان بود که نیاز به تحقیقات و جستجوی دقیق و جدی را در خصوص مسائل بسیاری ضروری می‌کرد. طبق معمول، کمیته زیر نظر رئیس مک‌کلان بازجویی کامل و دقیقی را شروع کرد. کمیته موظف شد به وضع مالیات‌دهندگان، دولت ایالات متحده و نیز هر فردی که نام او در اظهارات ذکر شده بود، رسیدگی کند.

جناب آقای رئیس اظهار نمودند که سه جلسه هیئت رئیسه تشکیل شد. این موضوع بارها مورد بحث قرار گرفت. و علاوه بر آن در جلسات ویژه‌ای که به این منظور تشکیل

می شدند، نیز مورد بحث قرار می گرفت. تحقیقات و بررسیهای پی در پی درخصوص پیشرفت کارکنان کمیته صورت می گرفت. رسیدگی کامل و دقیقی در مورد موضوع انجام گرفت. طبق بیانات رئیس، صحت اظهارات اثبات نشد. فکر می کنم تمام ما که در این جریان شرکت داشتیم باید بر این نکته تأکید کنیم.

از این فرصت استفاده می کنم و به مجلس سنا و کل کشور می گویم که رئیس مک کلان، بررسی دقیق، دشوار و کاملی را انجام داده است. نتایجی که او به دست آورده صحیح، دقیق و مردم پسند است. به خاطر تلاشهایش از او سپاسگزارم.

آقای مک کلان: از سناتور عالی مقام نبراسکا تشکر می نمایم. البته ما بدون کمک هم کاری انجام نداده ایم و همه با هم کار کردیم. من به همکارانم و به کارکنان توانا که در اخذ این نتایج نقش داشتند، مدیونم. امیدوارم نتایج خوبی باشند. جایگاه را ترک می کنم.

[۲۲ تا ۲۰-۲۱۶-۱۱۵ ز]

۸

دفتر حقوقی

مارشال، ازنت و هاریسون

۱۴ مه ۱۹۶۵

جناب آقای اردشیر زاهدی
سفیر ایران، انگلستان

برادر عزیزم اردشیر،

از نامه مورخ ۷ ماه مه شما که امروز به دستم رسید، بسیار متشکرم. اطلاع داشتم که در لندن نیستی. در مدت ده روز گذشته با احمد کار می کردم، و او به من گفت که سفر رفته ای.

البته از اظهارات اعضای کمیته مک کلان در مجلس سنا خوشحال شدیم؛ گرچه آنها از جو عمومی دادخواست علیه شاهدخت فاطمه و شاهپور محمودرضا نفع می بردند، اما آنها در جریان مسائل واقعی مربوط به قضایای ما قرار نداشتند. در نتیجه تا زمانی که اوضاع مساعد است، ما ناچاریم که تا حد امکان پرونده کاملی را در چهارچوب قانون ارائه دهیم. و کوشش کرده ایم که این کار را انجام دهیم و خیلی خوب هم در این کار موفق شده ایم. در دیدار بعد، که امیدوارم هر چه زودتر صورت بگیرد، به تفصیل در مورد این

مسئله با شما صحبت خواهم کرد.

برنامه‌های فعلی ما ایجاب می‌کند که بعد از ظهر روز یکشنبه اول اوت از آمستردام به لندن بیاییم و بعد از ظهر روز چهارشنبه ۴ اوت لندن را به مقصد واشنگتن ترک کنیم. متعاقب نامه تو، از مؤسسه مسافرتی خود تقاضا کردم برای مارا، پسرها و خودم در کانات جا رزرو کند، و در صورت موفقیت به تو اطلاع خواهم داد. مارا نیز به همراه من به تو و مهناز سلام می‌فرستد. با امید به دیدار شما در ماه اوت.

ارادتمند

سیلوان ام. مارشال

[۳۳-۲۱۶-۱۱۵ ز]

۹

دفاتر حقوقی

مارشال، ازنت و هاریسون

واشنگتن دی. سی

۹ ژوئیه ۱۹۶۵

جناب آقای اردشیر زاهدی

سفیر ایران، لندن، انگلستان

برادر عزیزم، اردشیر،

مدتی است که برایتان نامه ننوشته‌ام و علت آن، اشتغال زیادم در زمینه‌ای است که از آن مطلع هستید. موفقیت‌هایمان ادامه دارد، اگرچه هر گام آن وقت زیادی می‌گیرد. ظاهراً بنابراین است که چهارشنبه آینده به منظور گرفتن شهادت موکلان خود به تهران برویم، البته این برنامه روز دوشنبه قطعی خواهد شد.

طبق برنامه خود، تصمیم گرفته‌ایم که پیش از بازگشت به ایالات متحده، آخرین محل توقفمان لندن باشد. فکر می‌کنم روز سه‌شنبه، دهم اوت ساعت یک بعدازظهر به وقت لندن با پرواز شماره ۱۲۵ کی. ال. ام از آمستردام به لندن برسیم، و ساعت ۳ و ۱۰ دقیقه روز دوازدهم اوت عازم واشنگتن شویم. در هتل کارلتن تاورز نیز برای خود جا رزرو کرده‌ایم.

به محض این که روز دوشنبه برنامه سفرمان به تهران قطعی شد، از سفارت شما در واشنگتن تقاضا خواهم کرد که قطعیت سفر را به شما مخابره نمایند.

LAW OFFICES
MARSHALL, EUZENT AND HARRISON
1875 CONNECTICUT AVENUE N.W.
WASHINGTON, D.C. 20009

SYLVAN M. MARSHALL
SHEMANT EUZENT
L. DAVID HARRISON

July 9, 1965

AREA CODE 202
HUSON 3 8000
CABLE ADDRESS 51557

His Excellency
Ardeshir Zahedi
Ambassador of Iran
26, Princes Gate
London, S. W. 7
England

جناب آردشیر زاهدی
وزارت امور خارجه
لندن
لطفاً غذا را در وقت آمدن آماده کنید
۲۹/۷/۶۵

Dear brother Ardeshir:

I have not written in quite some time, because I have been heavily involved in the case which you know about.

Our successes continue, even though each step takes a long time.

Although we will not know definitely until this coming Monday, it now appears that we will be leaving for Teheran this coming Wednesday, for the purpose of taking the testimony of our clients.

Under our schedule, we have planned London as the last stop before returning to the United States. We expect to arrive at 1:00 P.M. London time on Tuesday, August 10, on K.L.M. flight number 125 from Amsterdam, and to leave at 3:10 P.M. for Washington on August 12. We have confirmed reservations at the Carlton Towers.

As soon as I know definitely on Monday that we will go to Teheran, I will ask your Washington Embassy to cable you that the trip is firm.

Mara and I dearly hope that our visit to London will coincide with your own presence there.

With all our love, as always,

Sylvan M. Marshall

فردا
از هیئت هیئت مدیره
زندگی روزگاری
۱۹/۸/۶۵

115-214-22

to be
A. K. Mansouri
M. J. J. J.

مارا و من صمیمانه امیدواریم سفرمان به لندن همزمان با اقامت شما در آنجا باشد.
 بامحبت فراوان، دوستدار همیشگی شما،
 سیلوان ام. مارشال

[در حاشیه:]

جناب آقای وزیر مختار از وظایف آن مقام محترم است لطفاً عنداللزوم اقدام
 فرمایند. ۴۴/۴/۲۹

روز چهارشنبه فردا نهار را با جناب آقای زاهدی صرف خواهید نمود. ۴۴/۵/۱۹
 خانم دیوید، در مکاتبات سفیر بایگانی شود.
 وی هفته گذشته با عالیجناب نهار خورده بودند.

[۳۴-۲۱۶-۱۱۵ ز]

۱۰

دفتر حقوقی

مارشال، ازنت و هاریسون

۸ دسامبر ۱۹۶۵

برادر عزیزم اردشیر،

باکمال خرسندی به اطلاع می‌رسانم که پیشنهاد شما مبنی بر انتخاب من به عنوان
 وکیل شاهپور و شاهدخت بسیار موجه بوده است. پس از مذاکرات شفاهی نهائی ما،
 تصمیم دادگاه دیروز در نیویورک اتخاذ شد و ما به به پیروزی دست یافتیم.
 فردا، برای کاری، به مدت ده روز، به مکزیک می‌روم و پس از بازگشت با شما در تماس
 خواهم بود.

مارا نیز به همراه من پیام محبت خود را می‌فرستد.

ارادتمند شما

سیلوان

[در حاشیه:]

از نامه مورخ ... شما که امروز به دستم رسید تشکر می‌کنم. چند روز قبل نامه‌ای
 برایتان نوشتم که مطمئنم تا به حال به دست شما رسیده است.

[۳۲-۲۱۶-۱۱۵ ز]

۱۱

دفتر حقوقی

مارشال، ازنت و هاریسون

لندن ۱۵ دسامبر ۱۹۶۵

برادر عزیزم سیلوان،

الساعة نامه تو را که حاکی از موفقیت بود، دریافت کردم. امیدوارم که تاکنون نامه تبریکات مرا دریافت کرده باشی. یقین دارم که اکنون در وسط اقیانوس اطلس از کنار نامه تو گذشته است. امیدوارم سفرت به مکزیك خوش بگذرد، و من منتظر تلفن تو، بعد از بازگشتت خواهم بود. لطفاً سلامم را به مارا و تمامی اعضای خانواده مارشال برسان.

اردشیر زاهدی

۳۱۱-۲۱۶-۱۱۵ ز

۱۲

دفاتر حقوقی

مارشال و هاریسون

، اشتگتن

۹ فوریه ۱۹۶۶

والاحضرت شاهپور محمود رضا پهلوی،

دربار شاهنشاهی، تهران، ایران

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی،

دربار شاهنشاهی، تهران، ایران

والاحضرتان،

این گزارش ضرورتاً کوتاهتر از یک گزارش جامع و کامل خواهد بود زیرا، همان طور که آقای سفیر [خسرو] خسروانی تأیید خواهد کرد، او و ما راجع به مسائلی که به واسطه دعاوی جدید به وجود آمد طی ده روز اخیر شبانه روز کار کرده ایم، و فعالیت جدی ما در جهت بی اثر ساختن احکام توقیف و رفع صلاحیت دادگاه فدرال و دعاوی جدید ادامه دارد.

با وجود این به اطلاع شما می‌رسانیم که موارد زیر مشخص شده است:

۱. همان طور که در گزارش قبلی خود بدان اشاره کردیم، دعاوی بر علیه هر یک از شما در دادگاه فدرال نیویورک مطرح شد.

۲. حکم توقیف از قاضی فدرال که از گودرزیان خواسته بود تا یک تضمین (وثیقه) ۲۵,۰۰۰ دلاری برای حمایت از شما ارسال کند اخذ شد. این حکم توقیف (اموال) تحت عمل دادگاه فدرال بطوریکه جنبه صادر شد، یعنی بدون توجه به شما یا وکلایتان.

۳. تحت حکم توقیف صادره توسط قاضی بنسال، احکام توقیف (طبق قانون) به شرح زیر اجرا شد:

الف - در بیست و هشتم ژانویه سال ۱۹۶۶، نسبت به داراییهای مشخص شده‌ای که از قرار معلوم در دست شرکت هایدن استون و شرکا بود.

ب - در چهارم فوریه سال ۱۹۶۶، نسبت به داراییهای مشخصی که از قرار معلوم در دست صاحبان شرکت هانورتراست بود؛ در آن زمان بانک نیویورک از یونیون بانک سوئیس، چک هایدن استون را دریافت نکرده بود.

ج - در هفتم فوریه سال ۱۹۶۶ نسبت به داراییهای مشخصی که، از قرار، در دست صاحبان شرکت هانور بود؛ بانک در آن زمان از یونیون بانک سوئیس چک هایدن استون را دریافت کرده بود.

۴. وکلای شرکت هایدن استون در دادگاه فدرال جهت انجام کارهای زیر پیشنهادی را ترتیب دادند:

الف - برای لغو و بی اثر ساختن حکم توقیف که به آنها اخطار شد؛ و

ب - برای لغو دو حکم توقیف که به صاحبان شرکت هانور اخطار شده بود.

۵. دادرسی شرکت هایدن روز گذشته یک روز تمام وقت برد؛ آقای کانلی و من از طرف شما در آنجا حضور داشتیم؛ و وکلایی به نمایندگی از دولت ایالت متحده، گودرزیان، هایدن و بانک نیز حاضر بودند.

۶. مطابق با روال بانکی آمریکا، از بانک نیویورک خواسته شد تا ظرف ۴۸ ساعت پس از دریافت چک، جهت وصول تصمیم بگیرد که آیا چک را می‌پردازد یا آن را نکول می‌کند. از آنجایی که چک پس از آخر هفته به نیویورک رسید. تولیدکنندگان [صاحبان کارخانه] هانور یا می‌بایست تا نیمه شب دیشب به یونیون بانک سوئیس پرداخت می‌کردند، یا از پرداخت آن امتناع می‌ورزیدند. شرکت هانور، هم در جهت منافع شما، و هم با توجه به این واقعیت که هایدن استون، و یونیون بانک سوئیس همگی مشتری آن هستند، دیروز از قاضی خواست تا دستور پرداخت یا عدم پرداخت [چک] را صادر کند.

قاضی شوگرمن از صحبت با بانک در خصوص این که چه تصمیمی باید بگیرد، خودداری کرد، با این ادعا که این مسئله در حوزه تصمیم‌گیری بانک است و موضوع مربوط به قاضی نیست.

۷. در پایان رسیدگی به پیشنهاد در اواخر بعدازظهر دیروز، قاضی شوگرمن اظهار داشت که تا جمعه این هفته یازدهم فوریه ساعت چهار بعد از ظهر به تمام خواهانها یا خواننده‌ها فرصت خواهد داد تا اوراق تکمیلی خود را در خصوص مذاکرات دیروز دادگاه ارائه نمایند. طی مذاکرات فوق، آقای کانلی گودرزبان را کاملاً مجرم معرفی کرد و نسخه‌ای از گزارش کنگره‌ای را که متضمن بیانات سناتورهای کمیته فرعی دائمی بررسی، معروف به کمیته مک کلان بود، ارائه داد. قاضی شوگرمن همچنین اظهار داشت پس از آنکه تمام اسناد پرونده شدند با در نظر گرفتن تمام موارد حکم خود را در مورد سئوالات زیر اعلام خواهد کرد:

الف - آیا این سه حکم توقیف قانونی هستند یا نه؟

ب - آیا همان طور که ما دیروز درخواست کردیم، وی دستور افزایش قابل توجهی در ضمانت‌نامه به منظور حمایت از ما خواهد داد.

ج - آیا از گودرزبان خواهد خواست تا برای حمایت از واسطه‌ها و بانک، طبق درخواست دیروز وکلای یک ضمانت‌نامه معتبر ارسال کند.

اهمیت این ضمانت‌نامه‌ها ناشی از این اعتقاد است که ضمانت‌نامه‌ای که از پیش به دستور قاضی بنسال از سوی گودرزبان دریافت شده تا جایی که اعتبار او اجازه می‌دهد، می‌تواند ارزش داشته باشد، و اگر ضمانت‌نامه‌های سنگین‌تری حکم شوند که او نتواند آنها را تهیه کند، این مورد کنار گذاشته می‌شود.

۸. وقتی با وکلای صاحبان شرکت هانور تراست دیروقت شب گذشته تماس گرفتیم به ما اطلاع دادند که تصمیم گرفته‌اند به یونیون بانک چیزی نپردازند. ظاهراً، اگر قاضی شوگرمن توقیفات را غیر قانونی اعلام نکند، دادگاه فدرال به واسطه وجود داراییهای شما در نیویورک می‌تواند در مورد شما قضاوت کند، مگر این که بانک سوئیس به شما پولی بپردازد و بدین ترتیب صاحب چک شود.

به دلیل احترام عمیقی که برای موقعیت شما و افرادتان قائلیم و به دلیل جایگاه والایی که مشاوران شما در تهران دارند، برای ما ناخوشایند است که بگوئیم اگر به ما اعتماد کرده بودید که باید می‌کردید و اظهارات محکمی را که ما در چند ماه گذشته برای شما طرح کردیم، جمع‌آوری می‌نمودید، می‌توانستیم از تمام مشکلات پیچیده مذکور به

جز خود دعاوی اجتناب نمائیم. برای ما بسیار دشوار است وقتی با پشتکار تمام از طرف شما کار می‌کنیم، ببینیم که نظر و مشورت حرفه‌ای ما نادیده گرفته شده و نتایج کارهایی که برخلاف توصیه ما یا با بی‌توجهی به این توصیه‌ها صورت گرفته است، برای شما ضرر داشته و برای ما مسائل پیچیده و بفرنج غیرضروری تولید کرده است. در یک تلاش جدی جهت جلوگیری از مشکلات بیشتر، توصیه‌ای را که به شما ارائه داده‌ایم و کارهایی را که حذف شده‌اند یا برخلاف توصیه ما صورت گرفته‌اند به صورت فهرست‌وار می‌نویسیم:

الف. پیش از تصمیم قاضی لوی در تاریخ هشتم دسامبر ۱۹۶۵ ما می‌توانستیم شرکت مورگان گارانتی و هایدن استون را وادار کنیم تا داراییهای شما را آزاد کنند و برای شما زمینه‌ای فراهم کردیم تا راهنماییهای تازه‌ای را با تلگرام به آنها اعلام کنید؛ شما را از این موضوع آگاه ساختیم و از شما خواستیم به طرف خواهان تلگرام بنزید. تلگرامهای شما هرگز نرسید و بانک و واسطه‌ها عقیده خود را عوض کردند. شما بعداً به ما اطلاع دادید که هنگام دریافت درخواست ما خارج از تهران بودید و نمی‌توانستید خود را برسانید.

ب. شما و یا شخصی که از جانب شما بود بدون مشورت با ما و بدون اطلاع به ما شرکت هایدن استون را راهنمایی کردید تا وثیقه‌های شما را بفروشد و آنها را به پول نقد تبدیل کند. در صورتی که داراییهای شما در وثیقه باقی مانده بود و هایدن استون آنها را در ۲۴ ژانویه برای شما می‌فرستادند (وقتی چک خود را برایتان می‌فرستادند)، وثیقه‌ها اکنون می‌بایست بیرون از ایالات متحده می‌بودند و قابل توقیف نباشند.

ج. شما با کسی که از جانب شماست، بدون مشورت با ما و بدون اطلاع به ما، شرکت هایدن استون را راهنمایی کردید تا چک خود را برای شما با پست به تهران بفرستد. در صورتی که اگر آنها وجوه را طبق پیشنهاد ما به بانک شما در سوئیس ارسال می‌کردند هیچ‌گونه توقیفی صورت نمی‌گرفت.

د. ما پس از آنکه متوجه شدیم شرکت هایدن استون چک خود را برای شما فرستاده است، به شما گفتیم که یکی از دو کار زیر را انجام دهید:

(۱) یکی اینکه آن چک را به یک (شعبه) بانک تهران که هیچ حسابی در آن نداشتید، حواله کنید و چک را در هر حساب بانکی که در هر بانک دیگری دارید به حساب بگذارید.

(۲) آن چک را به بانک خود در تهران بدهید و به محض اینکه به حساب سپرده و

به اعتبار شما وارد شد، کل حساب را به بانک دیگری در هر کجای دنیا که باشد، ببرید. از هیچ یک از این پیشنهادات پیروی نشد، در عوض چک به راحتی به بانک سوئیس شما فرستاده شد.

ه. بدون مشورت با ما و بدون اطلاع به ما قبل از اینکه چک خود را به بانک سوئیس بفرستید، بجای یک ظهرنویسی آشکار چیزی به نام امضای محدودکننده روی آن قرار دادید، و بانک سوئیس بر طبق آن نمی‌تواند دارنده برگه بهادار باشد؛ اکنون باید به این مسئله رسیدگی کنیم، و این کار احتمالاً از طریق فرستادن شخصی به ژنو جهت بازرسی سوابق بانکی انجام خواهیم داد و ممکن است (این مسئله) در نیویورک مورد پیگرد قانونی قرار گیرد.

(۱) چک را نگه دارید و منتظر راهنماییهای بیشتر باشید، یا

(۲) از بانک نیویورک با تلفن یا تلگرام گواهی مبلغ کامل را بگیرید.

هیچ یک از این پیشنهادات پیگیری نشد. در عوض بانک سوئیس به راحتی چک را به نیویورک فرستاد و بدین ترتیب مسائل پیچیده موجود را تسریع نمود. از آنجا که ما ذره ذره استعداد و توان خود را برای کمک به شما به کار گرفته‌ایم، برایمان لازم است که با ما همکاری کامل بعمل آورید.

همچنین اطلاع می‌دهیم که قاضی کرشنام اکنون در دادگاه عالی دعوی خود را برای مبلغ ۷۳,۰۰۰ دلاری که قبلاً در گزارشات ما مورد بحث قرار گرفت، پرونده کرده است. ما یک نسخه از دعوی او را همراه با این نامه می‌فرستیم و از آنجا که رسیدگی به این موضوع برای شانزدهم فوریه طرح‌ریزی شده، از شما می‌خواهیم تا راهنماییهای خود را از طریق تلگرام به ما ارسال کنید.

همچنین نسخه‌هایی از اوراق تهیه شده و دریافت شده در ده روز گذشته را ضمیمه نامه کرده‌ایم، با این اوراق مدت زمانی را که ما برای خدمت به شما صرف کردیم نشان می‌دهد.

از شما تقاضا می‌کنیم که به بانک سوئیس بگوئید تا نهایت همکاری را با آقای کانلی، سال و یا من به عمل آورند، و اینکه وقتی این کار انجام شد برای اطلاع من به سفیر خسروانی تلگرام بزنید. زمان در این درخواست نقش مهمی دارد.

احتراماً

سیلوان ام. مارشال

[۴۸ تا ۴۴-۲۱۶-۱۱۵ ز]

۱۳

دفاتر حقوقی
مارشال و هاریسون
واشنگتن

۲۳ فوریه ۱۹۶۶

والاحضرت شاهپور محمودرضا پهلوی،
دربار شاهنشاهی، تهران، ایران
والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی،
دربار شاهنشاهی، تهران، ایران

والاحضرتان،

سفارت شما مفاد برخی از سؤالاتی را که شما در تلگرامهای اخیر مطرح نموده‌اید،
به من اطلاع داده است و اینک پاسخ خواهم داد:

۱- در گزارش مورخ نهم دسامبر ۱۹۶۵ به شما گفتیم که قاضی کرشنام پذیرفت که با
امضای حکم کوتاه‌مدت توسط قاضی لوی موافقت کند، و در آن زمان این موضوع
صحت داشت. به هر صورت داور بلافاصله پس از آن نظر خود را عوض کرد و گفت که
تا وقتی حق الزحمه‌اش را دریافت نکرده، رضایت خود را اعلام نخواهد کرد؛ او گفت
هراسش از آن جهت است اگر رضایت می‌داد و قاضی حکم را امضاء می‌کرد دارای‌های
شما از کشور خارج می‌شد و در صورتی که حق‌العمل او را نمی‌پرداختید، او هیچ
موجودی در دست نداشت. از آنجا که قاضی لوی او را منصوب کرده بود ما می‌دانستیم
که هیچ راهی وجود ندارد تا بدون رضایت او بتوانیم حکم امضا شده را تحویل بگیریم.
بدین ترتیب ما از شما اجازه خواستیم تا سفیر را وادار کنیم در عین حال که با داور
مذاکره می‌کنیم، ضمانت‌نامه‌ای صادر کند. سفیر چنین نامه‌ای را صادر کرد، اما داور
تمایلی به پذیرش آن نداشت. کل این اوضاع از جمله مذاکرات ما با آقای کرشنام، در
گزارش ما به سفیر شما به تاریخ هفتم ژانویه ۱۹۶۶ مفصلاً ذکر شده است.

هیچ زمانی به خاطر تلاش در جهت حل این مشکل که از جانب داور ایجاد شده بود،
تلف نشد. آقای کانلی و من مشترکاً و نیز جداگانه کار می‌کنیم، و دائماً برای متقاعد کردن
داور تلاش کردیم، اما تا پیش از آنکه او را در تاریخ نوزدهم ژانویه ۱۹۶۶ به واشنگتن
بیاوریم (همان طور که در نامه بیستم ژانویه برایتان نوشتیم) نتوانستیم با او به تفاهم
برسیم؛ و این تفاهم تنها پس از آن حاصل شد که ما موافقت کردیم تا مبلغ ۳,۰۰۰ دلار از

هزینه‌های به سختی به دست آمده خود را به او پردازیم.

پس از آنکه چنین توافقی با وی حاصل شد، وقایع سریعتر از حد طبیعی تحت این شرایط پیش می‌رفت؛ دکتر خسروانی پول را از شما گرفت و با چک بانکی در بیست و چهارم ژانویه به آقای کانلی فرستاد؛ به محض آنکه ما یک نسخه گواهی شده از حکم قاضی را گرفتیم؛ بلافاصله این پول را با دستوراتی درخصوص ارسال آن به داور، آقای سال ارجاع دادیم. قاضی حکم کوتاه مدت را در سی و یکم ژانویه پس از کنفرانسی که با آقای کانلی در بیست و هشتم ژانویه داشت، امضاء کرد، و حکم در دفتر منشی دادگاه پرونده شد و در اول فوریه ۱۹۶۶ آن را رسمی ساخت.

اگر جریانات حقوقی جدید ولز در دادگاه فدرال به میان نیامده بود، چک در آن زمان می‌بایست به داور پرداخته می‌شد، اما هنگامی که ما از جریانات حقوقی جدید در دادگاه فدرال مطلع شدیم، تصمیم گرفتیم برای حمایت از شما چک را نگه داریم تا زمانی که قاضی دادگاه عالی حکمی را مبنی بر اهداء این مبلغ به داور امضاء کند. وضعیت فعلی این موضوع در بخش جداگانه‌ای مطرح شده است، اما مشکلاتی که به واسطه این موضوع پیش آمده و کاملاً نیز به آن مرتبط است، دلیل دیگری از بین چند دلیلی است که چرا برای شما لازم است یک مؤسسه حقوقی در واشنگتن و یک مؤسسه حقوقی در نیویورک داشته باشید. در حقیقت این نماینده دو جانبه منافع شما نه تنها هزینه شما را افزایش نداده، بلکه در حقیقت مقداری پول برای شما پس‌انداز کرده است؛ زیرا اگر شما یک مؤسسه حقوقی تنها در یکی از آن شهرها داشتید، هزینه‌های سفر، تلفن و تلگرام بیشتر می‌شد، در حالیکه هزینه‌های دریافتی برای خدمات تخصصی یکسان می‌بود. به دلیل ماهیت غیر عادی تمام این موضوعات، که خود دعاوی تنها بخشی از آن هستند، ضروری بود و هست که در هر دو شهر وکلایی داشته باشید.

۲. شما پرسیده‌اید که چرا (شرکت) مورگان گارانتی به محض آنکه قاضی رأی شفاهی خود را اعلام کرد، سرمایه‌های شما را خارج کرد در حالیکه هایدن استون این کار را نکرد. پاسخ به این سؤال در نوامبر ۱۹۶۵ شروع شد زمانی که ما خواستیم از جانب شما سریعاً اقدام کنیم، که البته هیچ‌گاه موقعیت آن پیش نیامد. در آن مقطع، شرکت مورگان و هایدن را وادار ساخته بودیم تا داراییهای شما را آزاد کنند، مشروط بر آنکه یک تلگرام سریع و صحیح از شما دریافت کنند تا دستورات قبلی که به آنها داده بودید را تغییر دهد. وقتی این تلگرام نرسید شرکت هایدن شروع به تصمیم‌گیری مجدد درخصوص موقعیت خودشان نمود و همان طور که برایتان شرح دادیم به این نتیجه

رسید که نمی‌تواند داراییها را بطور کامل برای ما یا شما آزاد کند؛ و مورگان با موضع جدید هایدن همگام شود.

وقتی قاضی در ماه دسامبر رأی خود را اعلام کرد، آقایان کانلی، سال و من مستقیم از اتاق دادگاه نزد مورگان رفتیم و موفق شدیم آنها را وادار سازیم تا فوراً از طریق تلگرام بر اساس رأی شفاهی و بر اساس امضای شخص من سرمایه را خارج کنند.

آقایان کانلی و سال بلافاصله نزد هایدن رفتند و اقدام مورگان را به آنها گفتند. معهدا هایدن که در ماه نوامبر تصمیم خود را قطعی نموده بود، راضی شد تا داراییهای شما را بدون هیچ حکم امضاء شده آزاد کند.

۳. شما پرسیده‌اید آیا اگر پیشنهادات مختلف ما را در مورد چگونگی عمل با چک هایدن در زمان دریافت آن دنبال می‌کردید، وضعیت کنونی بوجود می‌آمد یا نه؟ پاسخ آن است که اگر چک را وصول می‌کردید (برای مثال، آن را به بانکی در تهران ارائه می‌دادید و پول رایج دریافت می‌کردید)، یا اگر آن را در حساب خودتان در بانک تهران به حساب می‌گذاشتید، و سپس تمام سرمایه‌ها را از آن بانک پس می‌گرفتید و آن سرمایه‌ها را مجدداً به بانک دیگری می‌سپردید وضعیت موجود پیش نمی‌آمد. دلیل این کار آن است که اگر شما چک را طبق توصیه ما وصول می‌کردید، بانکی که در مقابل چک به شما پول داد بلافاصله صاحب آن چک و سرمایه‌های موجود در نیویورک که در شرکتهای تولیدی هانور که چک نشان داد، می‌شد؛ و چون از آن پس شما صاحب چک یا سرمایه‌های نیویورک که مبنای آن (چک) بود، نبودید، ولز توقیف نمی‌شد. به همین ترتیب اگر از دستورات بعدی ما در مورد دادن دستوراتی به بانک سوئیس پیروی کرده بودید و بانک سوئیس چک را از طریق تلفن یا تلگرام با صاحبان شرکت هانور تسویه کرده و حساب شما را بستانکار کرده بود، بانک سوئیس صاحب چک و سرمایه‌های نیویورک می‌شد و ولز نمی‌توانست بر علیه شما اقدامی بکند و اگر بانک سوئیس به راحتی چک را طبق پیشنهادی که به شما تلگرام کردیم، نگه داشته بود، چک در نیویورک ارائه نمی‌شد، و بدین ترتیب می‌توانستیم به راحتی آن را ضبط نماییم. بانک سوئیس به جای این کار فقط چک را به نیویورک فرستاد و به دلیل زمان تلف شده در ارسال چک، این چک پس از آن رسید که ولز حکم توقیف خود را گرفته بود.

ما به شما پیشنهاد می‌کنیم که اگر شما به داوری و توصیه ما اعتماد کرده بودید و منتظر توضیح برای اصول قانونی که ما از آنها استفاده می‌کنیم، نمی‌شدید با مشکلات کنونی مواجه نبودیم.

نظریات ما که شامل پاراگرافهای «الف تا و» در صفحات چهار و پنج گزارش نهم فوریه ۱۹۶۶ می باشد، همفکری هر دو مؤسسه حقوقی را نشان می دهد؛ سعی بر آن نیست که این نظریات انتقادی باشند، بلکه تنها بر نیاز به همکاری سریع و کامل شما در یک سلسله وضعیتهای بسیار ناگهانی تأکید می کند.

وضعیت حاضر در بخش جداگانه‌ای در همین گزارش بحث خواهد شد.

اینک از شما تقاضا می کنیم درخواستهای زیر را انجام دهید:

الف. لطفاً یک نسخه از نامه‌ای که به هایدن استون فرستادید و در آن به آنها دستور دادید تا داراییهای شما را از اوراق بهادار به پول نقد تبدیل کنند، برایمان بفرستید. از آنجا که در این مورد امضاهای جعلی بسیاری به چشم می خورد. می خواهیم مطمئن شویم که نامه دریافت شده توسط هایدن همان است که شما فرستادید یا نه.

ب. لطفاً یک نسخه از نامه‌ای که به هایدن فرستادید و در آن نوشته بودید که چکشان را برای شما به تهران بفرستند برایمان ارسال کنید. ما به همان دلیلی که در قسمت ب. بالا بدان اشاره کردیم چنین درخواستی داریم؛ و ممکن است همچنین در آینده جهت دادخواهی از هایدن برای شما لازم باشد.

ج. لطفاً به ما بگوئید آیا شما یا هر کسی که از جانب شما اقدام می کند از تاریخ اول نوامبر ۱۹۶۵ با هایدن صحبت کرده است یا نه. اگر چنین تماس یا تماسهای تلفنی انجام شده باشد لطفاً به ما بگوئید:

(۱) چه کسی از تهران صحبت کرد؟ برای مثال شما بودید یا کسی برای شما (از جانب شما) صحبت می کرد و اگر کسی جای شما صحبت می کرد، این شخص که بود؟

(۲) مکالمه شما با چه کسی در هایدن انجام شد؟

(۳) در چه تاریخ یا تاریخهایی این مکالمات انجام شد؟

(۴) چه چیزی گفته شد؟

می خواهم این موضوع را روشن سازم که تمام گزارشهایی که به شما فرستاده شد، نتیجه همکاری هر دو مؤسسه حقوقی شماست، و اگر این گزارشها فقط توسط من آماده و امضاء شده است، تنها به این دلیل که من به افرادی که آنها را برای شما می فرستند، نزدیکترم. هر گزارش و تلگرامی دقیقاً با مؤسسه کانلی چک می شود، پیش از آن که به شما داده شود. علیرغم این حقیقت که حمایت و دفاع از سرمایه‌های شما، حتی بدون این گزارشها و پاسخها به درخواستهای شما به دلیل ابعاد وسیع خدماتی که به شما ارائه می دهیم برای آقای کانلی و من واقعاً یک کار تمام وقت شده است، معهداً معتقدیم که

این رابطه دوستانه بین دو دفتر ضروری است تا شما حتی الامکان از وقایع مطلع باشید، و بدین ترتیب کار جداگانه ما مانند کار مشترکمان برای شما کاملاً هماهنگ است.

۱. موارد در دادگاه فدرال: در روز جمعه هجدهم فوریه من آقای کانلی را تا دفتر قاضی شوگرمن که تمام وکلا را فرا خوانده بود، همراهی کردم (خودمان، ولز و وکلای هایدن و صاحبان شرکت هانور). قاضی شوگرمن با تمام ما در مورد مسایل معینی از قانون بحث کرد؛ این مسایل در امور مختلفی در رابطه با دعاوی دادگاه فدرال که بر علیه شما مطرح شده، برای او پیش آمد و ماهیت موارد دادگاه فدرال کاملاً در گزارش سوم فوریه ما در صفحات دو و سه مطرح شده است.

با وجود این که قاضی نگفت چه وقت و چگونه در مورد مشکلات مختلف تصمیم خواهد گرفت اما از ماهیت سؤالاتی که پرسید متوجه شدیم که دست کم احتمال آن وجود دارد تا دعاوی را رفع کند. این از یقین بدور است و ما بدین ترتیب برای ارتقاء موضع قانونی خود در فشار هستیم تا او را وادار سازیم که از این اقدامات صرف نظر کند. موارد زیر از جمله گامهایی هستند که ما پیموده‌ایم یا می‌پیمائیم:

الف. تلاشهایی جهت لغو حکم توقیف و احکام مترتب بر آن بر پایه موازین قانونی.
ب. تلاشهایی جهت رفع شکایت بر اساس آنکه خواهان دیگر هیچ وجود قانونی ندارد.

پ. تلاشهایی برای بالا بردن مبلغ ضمانت‌نامه‌ها تا حد قابل توجهی که گودرزیان نتواند آنرا از هیچ شرکت بیمه یا شرکت تضمینی بگیرد.

ج. تلاشهایی جهت روشن نمودن موضوع دستمزد قاضی، به دلایلی که در زیر نشان داده خواهد شد، اما در ترتیب دادن دعاوی فدرال برای ما بسیار مفید خواهد بود.

هیچ راهی وجود ندارد که با اطمینان به شما بگوئیم که چه وقت قاضی شوگرمن تصمیم خود را ارائه می‌دهد؛ اما ما هوشیارانه به کار خود ادامه می‌دهیم و هر امتیازی را که بتوانیم بدست می‌آوریم.

۲. شکایات دادگاه عالی: همان طور که ما دکتر خسروانی را در گزارش چهاردهم فوریه خود مطلع ساختیم، ولز نکته‌ای را به منظور استیناف از برخی احکام قاضی لوی که شامل آخرین حکم او مبنی بر بی‌اثر ساختن قضاوتهایی بر علیه شما بودیم تنظیم کرده است.

گودرزیان به ارائه دادخواست استیناف خود باید مبلغ قابل توجهی پول برای ارائه عرض حال و چاپ گزارشها بپردازد و ما نمی‌دانیم آیا او چنین پولی دارد یا نه. ولز به هر

صورت تحت شرایطی عادی می‌بایست ظرف نمود روز آینده یا دادخواست استیناف حفظ و یا آن را ترک کند. اگر آن را حفظ کند ما دو هفته وقت داریم تا پاسخ خود را آماده و چاپ کنیم.

۳. دستمزد داور: هنگامی که در جمعه گذشته برای انجام یکی دیگر از کارهای شما در نیویورک بودم آقای کانلی و من به دیدن داور رفتیم. تسویه ادعاهای او و پرداخت حق الزحمه‌اش برای ما بسیار مهم است زیرا به محض آنکه بتوانیم کاملاً وجه را به او پردازیم می‌توانیم برای گرفتن بخشی از آن علیه گودرزیان شکایت کنیم، و اگر گودرزیان احتمالاً به ما پولی ندهد می‌توانیم شکایت از وی را در دادگاه فدرال پی‌گیری نماییم، زیرا او تا مبلغ دعاوی قدیمی دادگاه عالی را پردازد نمی‌تواند شکایات جدیدی را مطرح نماید.

علیرغم این حقیقت که هنوز قاضی به خاطر اقداماتی که برای حمایت از سرمایه‌های شما از طریق نگه داشتن چک او انجام داده‌ایم؛ بسیار از ما عصبانی است، ما پس از بحث فراوان توانستیم با او به راه‌حلی برسیم. در حضور شهود به او چک ۲۸/۰۰۰ دلاری دادیم و او قول داد تا وقتی که قاضی دادگاه عالی نیویورک حکم پرداخت این مبلغ یا بیشتر را امضاء نکرده، چک را به صورت امانت حفظ کند. ما همچنین از او یک نسخه ضمیمه سوگند نامه‌ای گرفتیم که در آن وی کتباً موافقت نموده تا مبلغ ۲۸/۰۰۰ دلار را در دفع کامل مطالبه ۷۳/۰۰۰ دلاری‌اش بپذیرد؛ پس حتی اگر قاضی دادگاه‌های عالی نیویورک مبلغ بیشتری به او بدهد، هنوز در پرداخت ۲۸/۰۰۰ دلاری خود به او پابرجا هستیم.

۴. خارج نمودن سرمایه‌های شاهپور: در این هنگام، وکلای شرکت هانوز به ما گفتند که هنوز چک را نگه داشته‌اند و تا وقتی قاضی شوگرمن تصمیم خود را اعلام نکرده از ارسال آن به مارشال ایالات متحده خودداری می‌کنند. البته وکلای هایدن از جانب ما تلاش می‌کنند تا احکام توقیف را لغو کنند. شما از ما خواسته بودید اگر برایتان لازم است در این زمان با هایدن تماس بگیرید؛ ما قبلاً با نسخه‌ای از نامه آقای کانلی به هایدن که به شما دادیم توجه خود را به این موضوع نشان دادیم.

خوشحال می‌شویم که تلگرام‌های مبادله شده با بانک سوئیس را برایمان ارسال کنید؛ و ممکن است با توجه به روشی که قاضی شوگرمن اتخاذ کرده برای ما لازم باشد تا از اوراق بانکی شما بازرسی شخصی به عمل آوریم به شرطی که شما اجازه این کار را به ما بدهید زیرا امکان دارد وقتی بانک سوئیس تلگرامی به شما می‌زند و می‌گوید که همه چیز مرتب است، حساب شما را با سرمایه‌های جمع‌آوری شده وصول کرده باشد و

سپس وقتی می‌فهمد که شرکت هانور نمی‌خواهد آنها را وصول کند آن اعتبارنامه را به حساب ملغی کند. اگر واقعاً چنین وضعی اتفاق بیافتد فرصتی بدست می‌آوریم تا نشان دهیم که بانک سوئیس در حقیقت صاحب آن چک شده و دیگر جزو دارائی شما نبوده و بنابراین حکم توقیف نابجا صادر شده است.

اگر قاضی شوگرمن احکام توقیف را کنار بگذارد و اگر ما اندک زمانی پیش از آنکه ولز از این جریان باخبر شود (همان طور که بدین صورت برنامه را تنظیم کرده‌ایم از آن مطلع شویم شرکت هانور مبلغ ۳۴۸/۰۰۰ دلار به حساب بانک سوئیس خواهد گذاشت که پس از آن به شما پرداخت خواهد شد. اگر ما زودتر آگاه شویم و اگر شرکت هانور طبق قولی که داده بود سریع عمل کند می‌توانیم به شکست اقدامات جدید ولز در جهت توقیف اموال امیدوار باشیم.

یقین داشته باشید که با تمام توانمان و به هر ترتیبی که امید موفقیت باشد در کارهای خود پیش می‌رویم.

احتراماً

سیلوان ام. مارشال

۴۳ تا ۳۷ - ۲۱۶ - ۱۱۵ ز

۱۴

دفاتر حقوقی

مارشال و هاریسون

۲۷ اوت ۱۹۶۶

اردشیر عزیز،

بعد از ظهر دیروز بالاخره موفق شدیم آخرین داراییها را آزاد کنیم. تنها چیزی که اکنون مانده است تصویب چند مورد حقوقی است. اما پیروزی اصلی را به دست آورده‌ایم، و موکلین ما و دوستانشان باید بسیار خوشحال باشند.

به ویژه از آن جهت خوشحالم که این خبر خوب را به تو می‌دهم، زیرا تو در مقابل انتقاداتی که از من می‌شد از من دفاع کرده‌ای. خوشحالم به تو بگویم که اعتماد تو نسبت به من بیهوده نبود. ما اعتراف می‌کنیم برای رسیدن به چنین موفقیتی زمان بسیار زیادی صرف کرده‌ایم. اما همان طور که بارها به موکلینم گفتم، رسیدن به جواب مناسب بسیار مهم است تا اینکه در کارها عجله کنیم و روند رسیدن به عدالت را مختل سازیم.

مارا و من امیدواریم که تو و مهناز خوب و خوش باشید. و امیدوارم که به زودی شما را ملاقات کنیم. با عشق فراوان،

برادرت، سیلوان

[در حاشیه:]

آقای میرفخرائی، اصل این نامه را ۱. در پرونده شاهنشاه [دو کلمه خوانده نشد]؛
۲. این نامه را به من بدهید که جواب تهیه شود. خانم دیوید

[۲- ۲۱۶- ۱۱۵ ز]

۱۵

۱۳/۹/۱۹۶۶

آقای سیلوان ام. مارشال

نامه‌ات را تازه پس از بازگشت از مسافرت به لندن دیدم، و باید بگویم چقدر از شنیدن موفقیت‌هایت خوشحال شدم و موفقیت تو را تبریک می‌گویم. اکنون که این پرونده خاتمه یافته است حتماً احساس آرامش می‌کنی زیرا پرونده طولانی و دشواری برای تو بوده است.

فشار کار در اینجا، یعنی لندن علی‌رغم فصل تعطیلات بسیار زیاد است، و هنوز نتوانسته‌ام مفری برای استراحت بیابم. امیدوارم که حال تو، مارا و خانواده‌ات خوب باشد. در صورتی که برای آمدن به اروپا برنامه‌ریزی کرده‌ای مرا مطلع کن. امیدوارم به زودی تو را بینم.

اردشیر زاهدی

[۱- ۲۱۶- ۱۱۵ ز]

۱۶

دفتر حقوقی

مارشال و هاریسون

۲۱ سپتامبر ۱۹۶۷

اردشیر عزیز،

به سبب چند واقعه اخیر، بسیار سردرگم و آشفته شده‌ام، شاید لفظ «واقعه» ناچیز و بی‌اهمیت لفظ بهتری باشد. و چون همگی این وقایع درباره ایران است، نمی‌توانم برای ارجاع آنها به شخصی آگاه‌تر از برادر خودم فکر کنم که احتمالاً قادر به توضیح آن امور به

من می‌باشد.

اولین مورد این سلسله رویدادها درباره سفیر کنونی شما در واشنگتن است. پس از عزیمت سفیر خسروانی، ما همچنان مشتریان سلطنتی خود (و دفتر شما) را از طریق خدمات مثبت حسن معتمدی که همیشه در هیجان کسب خیر است، از پیشرفت امور مطلع می‌کردیم. زمانی که سفیر انصاری به اینجا وارد شد، حسن و من بر آن شدیم که از آن پس گزارشها را به ایشان ارائه کنیم، رویه‌ای که بلافاصله آن را با تحریر چندین نامه در پیش گرفتیم. در هر نامه، به عالیجناب اعلام کردم که همیشه آماده پاسخگویی به سئوالات ایشان هستیم. نکته عجیب آنکه، نه تنها هیچ گاه ایشان را ملاقات نکرده و با ایشان تلفنی صحبت نکرده‌ام که حتی هیچ خبری هم از رسید گزارشهای خود دریافت نکردیم.

دومین اتفاق بی‌اهمیت نیز درباره ملاقات اخیر اعلیحضرت شاهنشاه از واشنگتن است. در طول سالیان دوستی و رفاقتمان در سفارت شما به هر ضیافت کوچک و بزرگ، کم‌اهمیت و مهم، سلطنتی و یا غیره فراخوانده می‌شدیم، و این مهمان نوازی را با صمیمیت جبران می‌کردیم. با اینکه به سبب حضور بر بستر احتضار پدرم، نمی‌توانستیم در صورت دعوت، برای عرض سلام به پیشگاه اعلیحضرت بیاییم، خیلی عجیب بود که حتی احضار هم نشدیم. اما عجیب به خاطر آنکه در جریان پیشرفت امور همواره به یاد ما بودند و گزارشهایمان در نهایت تسلیم اعلیحضرت می‌شد و ایشان همیشه خواستار تمام جزئیات بودند. هنوز پس از کسب چنان موفقیتی برای شاه و خواهر و برادرشان، هیچ کس احساس نمی‌کند که دلیلی برای ملاقات من و اعلیحضرت وجود داشته باشد، گرچه زمانی که برای ایشان و موفقیتشان فعالیت می‌کردیم، در دیدارهای قبلی برای ملاقاتشان دعوت می‌شدم.

اتفاق بی‌اهمیت سوم هم وضعی مشابه دارد. ممکن است به خاطر آورید زمانی که شما را در سفارت خودتان در لندن ملاقات کردیم، یکی از مراجعان ما، شاهدخت فاطمه، آنجا بودند. ایشان برای به پیروزی رساندن مورد حقوقی خود بسیار اصرار ورزیدند. پس ایشان و همسرشان ارتشید خاتمی، دعوت نیروی هوایی آمریکا را برای دیدار از آن کشور به مدت چندین هفته پذیرفتند. در کم‌ترین زمان، مورد حقوقی ایشان را به پیروزی رساندیم. شاهدخت فاطمه و ژنرال خاتمی دو هفته قبل، چند روز در واشنگتن به سر بردند ولی عجیب آنکه، هیچ کسی ضرورت ملاقات ما را حس نکرد، علی‌رغم این حقیقت که شکست گودرزبان توسط ما، امکان سفر و دیدار ایشان را از آمریکا میسر ساخت. بالاخره در این سلسله اتفاقات غریب، هم سفیر خسروانی و هم

احمد تهرانی به من قول دادند، برای اعطای نشان افتخار به فرانک کانلی و جورج سال که سهم بزرگی در پیروزی و تفوق بر گودرزیان داشتند، توصیه‌های لازم را بکنند و هنوز کلمه‌ای در این باره نشنیده‌ام.

احتمالاً، افراد همزمان با افزایش سن نسبت به اعمال و اهمالهای دیگران حساس می‌شوند، ولی فکر می‌کنم، من برخلاف ایشان هستم و درخصوص قدردانی و تشکر انتظارات کمی دارم شاید به آن خاطر که با افراد بسیاری در این دنیا سروکار داشته‌ام. با وجود این، من و دوستانم در راستای موارد مذکور متحمل اعاده مجدد حس وفاداری، مواجهه با سرسختی از جانب دیگران و از خودگذشتگی شدیم و بخشی از آن هم به این دلیل بود که احساس نمودم بایست تأیید خودم را از جانب شما توجیه کنم.

با استنباط این نکته که علی‌رغم تقاضاهای کاری بسیار از ما نه تنها در روند جریانات حقوقی که توسط فراخوانیهای همیشگی برای توضیح امور، ملاقاتها و گزارش توسط سفارت، از تهران و یادآوری اینکه چطور بعضی مواقع از شکست مشتریان خودمان در دعاویشان و یا بی‌توجهی مشاوران آنها به اندرزهایمان ناامید می‌شدیم و با یادآوری اسامی آن افراد به ظاهر دوست که از ما برای پیشبرد اهداف حقیر خود استفاده می‌کردند، و بالاخره، اندیشیدن به پیروزیهای نهایی و دست نیافتنی که برای مشتریان خود و دولتهایشان کسب کرده‌ایم، تمامی سلسله وقایع شمرده شده در بالا بسیار غریب و باور نکردنی به نظر می‌رسند.

بهرتر از هر شخص دیگری می‌دانید که من و مارا زندگی اجتماعی بسیار فعالی داریم و نیاز به هیچ دعوتی از سوی هیچ سفارتخانه خاصی نداریم. و بنابراین، این مطالب به آن جهت نوشته نشده که ما یک یا دو ضیافت ایرانی را از دست داده‌ایم و یا آنکه وکلای ممتاز و موفق نظیر آقای کانلی و سال نیاز به مدال و یا حمایل داشته‌اند.

پس چرا آنقدر وقت خودم و شما را گرفتم؟ واقعاً نمی‌دانم، شاید به آن سبب که شما با آن سعه صدر و دل‌مهربان، به خوبی درک می‌کنید چقدر با استنباط این حقیقت که خدمات صادقانه و خوب آدمی به دست نسیان سپرده می‌شود، افسرده و ناراحت شدم. نمی‌خواهم چیزی در این باره بگویم و یا انجام دهید... فقط به خاطر میزان علاقه‌ام به شما و اینکه ناگزیر بودم این حرفها را به فرد امینی بزنم، خواستم اطلاع داشته باشید که چه وقایعی اتفاق افتاده است و احساس من درباره آنها چیست.

ارادتمند، سیلوان ام. مارشال

۶۳۱ تا ۶۱-۸۱۳-۱۱۵ ز

۱۷

دفتر حقوقی
مارشال و هاریسون

۱۰ ژانویه ۱۹۶۹

هوشنگ انصاری، سفیر ایران
واشنگتن دی.سی.

هوشنگ عزیز،

با این که مدتی است کار مربوط به شاهپور محمود رضا پهلوی و شاهدخت فاطمه پهلوی پایان یافته، ما و شرکای دیگرمان در نیویورک مراقب مسائل مربوط به گودرزیان هستیم.

هنگامی که ما سرگرم دفاع از شاهپور و شاهدخت در مقابل ادعاهای بی‌اساس گودرزیان بودیم، او از یک شرکت بیمه نیز شکایت کرده بود و مدعی بود که اموال شخصی و اشیاء دیگری را در یک آتش‌سوزی مرموز در آپارتمان نیویورکش از دست داده است. گودرزیان در آن دادگاه محلی پیروز شد. اما شرکتهای تقاضای استیناف دادند و در دادگاه استیناف، حکم دادگاه محلی که به نفع گودرزیان بود، تغییر یافت. سپس گودرزیان به دادگاه عالی نیویورک تقاضای استیناف داد؛ این دادگاه رأی دوم را تأیید کرد و در نتیجه گودرزیان شکست خورد.

از آنجا که نظر دادگاه عالی نیویورک و دادگاه استیناف حاوی نکات جالبی دربارهٔ گودرزیان و فعالیت‌های اوست، احساس کردیم شاید مشتریان ما، شاهپور و شاهدخت و مشاوران آنها در تهران مایل به خواندن نظرات قاضی کیتینگ که پیش از این سناتور ایالت نیویورک در مجلس سنای ایالات متحده، یکی از دوستان قدیمی ماست، باشند.

اگر مایل به دریافت رونوشت‌های دیگری در مورد این موضوع باشید، در تقاضای آن تردیدی به خود راه ندهید.

من و مارا سال خوشی را برای شما و مریم آرزو می‌کنیم و امیدواریم به زودی شما را ملاقات نماییم.

ارادتمند، سیلوان ام. مارشال

۳۶-۸۱۳-۱۱۵ ز

۱۸

دفتر والاحضرت شاهپور محمودرضا پهلوی

شماره: ۱۶۸/د

تاریخ: ۱۳۳۹/۲/۳

جناب آقای شاهرخ ناظر مالی محترم دربار شاهنشاهی

بِه | فرموده والاحضرت به این وسیله تقاضا می شود مقرر فرمایند برای احتیاجات
شخصی والاحضرت پروانه ارزی برای ده هزار دلار تحصیل و ارسال فرمایند.

با تقدیم احترام

رئیس دفتر والاحضرت، مهندس حسن ملیحی

[د-۹۹۷-۱-۱۲۲]

۱۹

دفتر والاحضرت شاهپور محمودرضا پهلوی

شماره: ۱۸۴/د

تاریخ: ۱۳۳۹/۲/۱۲

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

عطف به نامه شماره ۳۹/۲/۱۱-۵۳۶ به این وسیله وصول یک برگ پروانه ارزی
شماره ۵۶۶ به مبلغ ده هزار دلار اعلام می شود.

رئیس دفتر والاحضرت، مهندس حسن ملیحی

[د-۹۹۷-۱-۱۲۱]

۲۰

شرکت پراپ و شرکاء

اول سپتامبر ۱۹۷۸

آقای سیاوش توللی

رئیس دفتر والاحضرت محمود رضا پهلوی

آقای محترم،

ابتدا تشکر می کنم که در زمان اقامت در تهران، به هتل هیلتون تشریف آوردید.

متأسفم که موفق به دیدارتان نگردیدم و ظاهراً قسمت پذیرش سبب در هم ریختن قرارهایم شد. در واقع یادداشتی گذاشتم که در ساعت ۷/۳۰ بعد از ظهر آنجا خواهم بود و سعی بسیاری نیز به خرج دادم که سر وقت حضور یابم، ولی شما قبل از من آنجا را ترک کرده بودید.

لطفاً خاطر مبارک والاحضرت را با ذکر این مطالب شاد کنید که شرکت ما با ترخیص کالا از طریق [شرکت] هایدن استون در سال ۱۹۷۶ سود سرشاری کسب کرده است. امیدوارم، بار دیگر در نیویورک، تهران، و یا هر جایی دیگر با هم باشیم. در ضمن، اگر اطلاعاتی باشد که برای سرمایه‌گذاری به آن نیاز داشته باشید در تماس با ما تعلق نوزید.

ارادتمند، افرایم پراپ

[۱۱۰-۶-۱۲۴-پ]

۲۱

۱۶ سپتامبر ۱۹۵۳

جناب آقای خیرا

کاغذ مورخه ۷ سپتامبر شما را دریافت کردم. مدت مدیدی بود خبری از شما نداشتم و فکر می‌کردم شاید در وقایع اخیر تهران را ترک کرده باشید. خدا را شکر که وضعیت صورت طبیعی خود را پیدا کرده و دیگر خطر [Communist | Communism] ایران را تهدید نمی‌کند. از اینکه ۱۷۰۰ دلار برای من فرستادید خیلی ممنونم ولی هنوز به دستم نرسیده. حالا حقوق مرداد و شهریور ماه فقط مانده و آن هم امیدوارم با نرخ جدید یک کمک کوچکی باشد. شما سعی کنید مرداد و شهریور و آبان ماه با هم بفرستید و شاید تا آخر آبان ماه نرخ دلار باز تنزل کند. به این ترتیب من مقداری از قرضهای خودم را خواهم توانست بدهم.

من تصمیم قطعی دارم برای اواخر دسامبر در تهران باشم. خواهش می‌کنم شما مشتریهای زیاد برای زمین پیدا کنید که به مجرد ورود آن را بفروشم. ضمناً ساکنین آن دو دست عمارت را باید بیرون کرد که دیگر دردسر فراهم نکنند. گمان نکنم احتیاجی به کشیدن دیوار بین زمین من و والاحضرت محمودرضا باشد زیرا شخصی که آن را

۱۶ سپتامبر ۱۹۵۳

فدیه آمان جناب:

نامه صغیرانه‌ای بر ستاد ریونت کردم. مدت مدیدی بود خبری از ستاد نشنیدم
 و فکر میکردم شاید در قریب افسران و شرکت کرده باشند. اندر آنکه وضعیت
 صورت جلی خرد را پدید آورده و دیگر فقط Communist ایران را تهدید میکنند.
 زیرا آنکه ۱۷۰۰ دلار برای ما من فرستاد پس منی منم و دل منور به دست ترسیدم. حالا مراد
 و شکر بر ماه خفا مانده و آنهم از خود دارم با بنده به شکر که که مکی ما باشد.
 سلامی کند مراد و شکر به روزهای ما را با هم تو رسیده و شاید تا آخر این ماه شرح دوا
 باز بنزد آن کند. این ترتیب من سده ای از او گفتم خدمت! خواهیم که دست

من تمام تعطی دارم برای او فرود بر در دوران با هم. خواهش میکنم تلاشی
 ۴۰۰ دلار برای زنی که به بزرگترین که بجز در ورود آنها به هم. خنک ساکن آن
 دوست عمارت که به بیرون کرد که در در فراموش کنید. گمان کنم آنجا
 کتبی در دیوار بین زمین من دوا که خود هم در خانه با او در استغنی که آنرا فریاد
 کتبی خردش دیدار را بستم خولقی در دست فراموش کرد. انچه نوشتیم
 مکتوب تبدیل که کتبی در نظر بگیر که بجز در ورودم آنرا به هم و بیدار فراموش
 رتبه تبدیل با هم.

فاطمه پهلوی

۱۷۰۰ دلار ۱۲۰۰ دلار

خریداری می‌کند خودش دیوار را به سلیقه خویش درست خواهد کرد. این طور نیست؟
یک اتومبیل کوچک هم در نظر بگیرید که به مجرد ورودم آن را بخرم و مجبور نشوم
مدتی بی‌اتومبیل بمانم. در خاتمه از زحمات شما خیلی تشکر می‌کنم و سلامت و
موفقیت شما را خواهانم.

فاطمه پهلوی

۱۷۰۰ دلار از قرار ۱۲۰ ریال خواهد شد.

[۱ - ۹۸ - ۸۶۲۵ پ]

۲۲

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

توکیو

تلگراف

۶۱۷

۱۳۴۴/۳/۱۶

خواهشمند است گردن‌بند مروارید سه‌رجی را که در سفر اخیر والاحضرت مورد
پسند معظم‌لها قرار گرفته و بهای آن بیست و دو هزار دلار بود بلافاصله خریداری فرمایید
و آن را از طریق مطمئن و پس از بیمه مستقیماً با هواپیما برای والاحضرت ارسال فرمایید.
پول آن بلافاصله حواله خواهد شد.

[عباس] آرام

[۴۰ - ۳۲۲ - ۱۲ - ق]

۲۳

جناب آقای قریب^۱

بدین وسیله خانم خادمی را معرفی می‌کنم و خواهش می‌کنم چون قرار است ایشان
برای من مروارید خریداری کنند کمکه‌های لازم را به ایشان بکنید و نزد بهترین فروشنده
مروارید که شخص مطمئن باشد بروید. امیدوارم سال جدید برای شما سلامتی و
موفقیت کامل در پیش داشته باشد.

فاطمه پهلوی

[۵۴ - ۱۳۲۴ - ۱۱۲ - ق]

۱. هرمز قریب، سفیر ایران در ژاپن.